

حاضرین گرامی !

سلام و احتراماتم را تقدیم می دارم

هشتم مارچ " روز جهانی زن " را که در واقعیت امر محصول کار و پیکار زنان انقلابی و در پیشاپیش آنان زنان کمونیست ؛ مثل کلارا زتکین در سال ۱۹۱۰ است که بر ضد اشکال ستم و انواع تبعیض بر زنان به پا خاستند ، دلیرانه و پیگیرانه برای آزادی زنان رزمیدند ، و این روز پرشکوه را بر کتیبه تاریخ بشریت حک نمودند ؛ به شما حضار گرامی و " اتحاد زنان آزادیخواه " از صمیم قلب تبریک و تهنیت می گویم .

با فروتنی و عجز باید تذکر بدهم که بنا برمشکل صحتی نتوانستم سروده ای را به خاطر این روز فرخنده و خجسته فریاد کنم .

اینک به خاطر روز جهانی زن - زنی در بند و زنجیر خرافه های تهوع آور دینی و مذهبی و قیودات طبقاتی و قوانین تحمیل شده ضد آزادی زن از جانب دولت دست نشانده امپریالیزم جنایت کار امریکا در کشور ما افغانستان اشغال شده ، و زنان ایران که از جانب جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیزم که داغ ننگ خون و خیانت و دار و تازیانه و مثله و سنگسار زنان مظلوم ایران را در پیشانی دارد ؛ سروده ای را از دفتر چهارم سروده هایم - که تا کنون منتشر نشده - انتخاب نموده به شنیدن آن شما عزیزان را دعوت می نمایم .  
شاد و پیروز باشید .

رحیمه توخی ( ۱۱ مارچ ۲۰۱۲ )



رحیمه توخی حین قرائت پیام به مناسبت ۸ مارچ روز جهانی زن



گوشه ای از محفل برگزاری ۸ مارچ (روز جهانی زن) در تالار کتابخانه نارت یارک - تورنتو  
سخنران مراسم سهیلا دهماسی سروده رحیمه توخی " شما زنان خفته در تلپوت " را دکلمه نمود .

## شما زنان خفته در تابوت

ترا خواهر به فتوای مجتهد ، بیگناه کشتند  
 مرا در گوشهٔ تبعید ، به فقر مبتلا کشتند  
 ترا با ریزش سنگ کشتند ، پیش چشم خلق  
 مرا چون صید این دام ، ز آزادی جدا کشتند  
 ترا بستند به حکم آیه ها ، در حصار دیوار ها  
 مرا بی خانمان ، بی هم زبان ، نا آشنا کشتند  
 ترا چون بردگان ، زنجیر اسارت به پا کردند  
 مرا در کشوری که قانونش شده زنجیر پا ، کشتند  
 ترا شلاق زدند ، که بی محرم بیرون شدی از خانه  
 مرا چون دیوانگانِ دوره گرد ، در کوچه ها کشتند  
 ترا محروم کردند ز آموزش فرهنگ و دانش  
 مرا دست نیاز بسوی اغیار ، چون گدا کشتند  
 ترا نیست پارچه ای ، که زنی پیوند به دامن  
 مرا اینجا با زرق و برق ویتترین کالا ها کشتند  
 ترا گر کشتند ، در زیر باران راکت و بمب  
 مرا چون درویشان ، با نیش زبان اغنیا کشتند  
 ترا شوهر برید با تیغ قساوت ، بینی و گوش  
 مرا باتن فروشی همجنسانم در " کاباره " ها کشتند  
 ترا گر میخ بر سر کوفتند ، بریدند پنجه هایت  
 مرا باطعنه یی " اینست آئین تان ! " جا بجا کشتند

ترا واداشت ستمگری ها ، تا خویشتن سوختی  
مرا زین چنین بیداد ، بر زنان بیدفاع کشتند  
ترا گر دادند با خدعه و تزویر ، حق رأی در شورا  
مرا ساحل نشینان در توری نیرنگ و ریا کشتند

شما زنان خفته در تابوت و بسته در زنجیر  
بنگرید ، من و ما را یکایک ، در هرکجا کشتند

\*\*\*\*\*